

انتظار فرج امام عصر ارواحنا فداء و آثار سازنده آن

چکیده:

در باب امام زمان عجل الله تعالی فرجه احادیث فراوانی از امامان معصوم نقل شده که فرهیختگان و علمای الهی همواره با شرح و بسط احادیث و آموزه های اسلام یاد آن حضرت را زنده نگاه داشته اند. حضرت آیت الله امامی کاشانی در طول سالیان بسیار در خطبه های نماز جمعه به مناسبت های مختلف این موضوع را شرح و بسط داده اند. آنچه در این مقاله آمده برگردان یکی از این خطبه هاست. (۱)

« اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُمْ مِنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ. » (۲)

« خدا یار اهل ایمان است آنان را از تاریکیهای جهان بیرون آرد و به عالم نور برد و آنان که راه کفر گزیدند یار ایشان شیطان و دیو رهن است آنها را از عالم نور به تاریکیهای گمراهی درافکند این گروهند اهل دوزخ و در آن مخلد خواهند بود. »

عرفا پیرامون ولایت خاصه می گویند که صاحب ولایت خاصه که آغاز آن از رسول اکرم (ص) بنام ولایت خاصه محمدیه است و پایان آن وجود اقدس امام عصر ارواحنا فداء است. این ولایت عمیق ترین ولایت از بدو خلقت تا پایان آفرینش است. یک سخنی در اینجا دارند از جمله این سخن را قیصری دارد در شرح فصوص و عرفان خاصه مخصوصاً عرفای شیعه هم دارند، عرفای اهل سنت محیی الدین هم دارد و بیش از همه مرحوم حاج آقا محمدرضا قمشه ای این را بسط داده است. منظور این مختص به شیعه نیست همه عارفان اسلام چه سنی و چه شیعه می گویند که وجود اقدس حضرت مهدی (عج) از نظر ارزش و عظمت و آن نقطه بلند آفرینش او نه تنها بالاترین انسانهاست بلکه از فرشتگان هم برتر است بسر اینکه از ملائکه بالاتر است چنین می نویسند که فرشتگان مظهر صفات جمال خدایند حتی جبرئیل امین انعکاس می دهد صفات جمال خدا را. ولی امام عصر و انسان کامل و صاحب ولایت کلیه الهیه خاصه، همه اسماء الحسنی را منعکس می کند چه صفات جمال و چه صفات جلال. البته بنده این بحث را خیلی می خواهم با سرعت از آن عبور کنم زیرا این بحثها به حوزه ها مربوط است تا به خطابه های عمومی. ولی توضیح کوتاهی عرض می کنم و آن نکته ای است که در رابطه با انتظار فرج است و به آن می پردازم. مقصود از صفات جمال یعنی آنچه لطف خدا را نشان می دهد مثل رأفت خدا، علم خدا، خدا سریع الحساب است و لذا در سوره مبارکه الرحمن هم می خوانیم: « ذوالجلال و الاکرام. » ذوالجلال یعنی خدا صاحب صفات جلال است و الاکرام یعنی صاحب صفات جلال است خدا.

بنابراین آنچه ملائکه برخوردارند همه از صفات جمال است ولی قهر و غضب به آن معنا که صفات جلال خدا را منعکس کنند ندارند. اما انسان کامل ظهور همه اسماء الحسنی است. البته مگر آنجا که مربوط به وجوب است. ولی آنچه صفات جلال و جمال است انسان منعکس کننده آن است حالا وارد بحثی که این را به خاطر آن عرض کردم می شویم. باز همین نویسندگان و علمای اهل سنت و شیعه تصریح می کنند و می نویسند امام زمان و حضرت مهدی (ع) با دو شخص روبرو خواهد بود که این دو شخص یکی محور جلال است و دیگری محور جمال اوست. آن انسانی که محور جمال امام عصر است چون امام عصر مظهر صفات جمال خداست پس آن لطف خدا را منعکس می کند در عالم آن انسانی که از همه به او زدیگتر است و محور آن جمال است. عیسی بن مریم است که دستگاه عدالت امام عصر را مدیریت می کند و آن کسی که محور جلال خداست در حقیقت جلال امام عصر است و قهر امام عصر است و غضب امام عصر دجال است. بنابراین با دو قدرت یکی مسیح بن مریم و دیگری دجال است. در روایات ماست که ما یک دجال هم نداریم. در حدیث هست که ان احادیث که امروز نقل می کنم غالبا نبوی است. «دجالون».

در دعا هم هست که این دعا را ابن حجر عسقلانی در کتاب فتح الباری (که در شرح صحیح بخاری است) (۳) از رسول اکرم (ص) نقل می کند که پیغمبر اکرم در نماز به آن اهتمام زیاد است:

«اللهم انی اَعُوذُ بِكَ مِنْ فِتْنَةِ الْمَحْبِیِّاءِ الْمَمَاتِ وِ عَذَابِ الْقَبْرِ وِ مِنْ فِتْنَةِ الْمَسِیْحِ الدِّجَالِ» (۴)

«خدایا به تو از عذاب قبر پناه می برم به تو از فتنه مسیح دجال»

ما در احادیث دو مسیح داریم: یکی عیسی مسیح است. یکی مسیح دجال است، دجال در بعضی از دعاها به عنوان مسیح دجال آمده است. این لغت یعنی چه؟ مسیح را عرض کنم و دجال را هم معنا کنم تا آن حدیثی که از رسول اکرم (ص) نقل می کند مسیح هدایت و مسیح ضلالت معلوم باشد که دو چهره است در آخرالزمان.

یک چهره چهره حق است و هدایت می کند، یک چهره چهره نفاق است که گول می زند و فریب می دهد و این چهره ای که فریب می دهد و این چهره ای که گول می زند خود را به عنوان مسیح مطرح می کند ولی در حقیقت دجال است دجال که از لغت دجل یا دجل گرفته شده است به معنای پوشاننده حق است یعنی حق را می پوشاند. با یک قلم خاصی، با بیان خاصی و با یک ترندهایی باطن خودش را رنگ آمیزی می کند و زیبا نشان می دهد، حق را بوسیله این کار می - پوشاند، این مسیح ضلالت و مسیح دجال است. این تعبیری است که بنده بیان کردم. اما فتح الباری جور دیگری مسیح را معنا می کند. می گوید مسیحی که عیسی است مسیح است چون آدمهای بیمار را مسح می کرد و آنها شفا پیدا می کردند، کور مادرزاد با مسح دست مبارک او شفا می یافت

ولی مسیح دجال یک چشمش صاف است و ممسوحه العین است؛ یعنی یک چشمش بطور کلی بسته است.

ایشان وجهش را اینطور بیان می کند ولی بنده ذوق خودم را عرض می کنم که طبق آنچه در حدیث است بنده فکر می کنم ادای مرد الهی را در می آورد، با نفاق چهره حق را نشان می دهد و لذا المسیح دجال آمده است. حالا معانی مختلفی از دجال و مسیح شده است. آنچه بر ذهنم آمد عرض کردم. بهر حال ما در روایاتمان دو موجود داریم: یکی در اوج انسانیت که عیسی مسیح است و یکی در حیوانیت که مسیح دجال است. پیغمبر اکرم(ص) در دعا چنین با خدا صحبت می کند:

« اللهم انی اعوذبک من فتنۃ المحیاء و الممات »(۵)

خدایا از فتنه زندگی به تو پناه می برم و از فتنه ممات به تو پناه می برم. فتنه زندگی همین شهوات و گناهان است، فتنه مرگ سوء خاتمه است و عاقبت بدی است که ما به خدا پناه می بریم از سوء خاتمه. حالا بحثم را به این صورت عرض می کنم که امام عصر ارواحناله فداء دارای صفات جمال است پس جاذبه دارد، دارای صفات جلال است یعنی قهر خدا پس دافعه دارد. حالا معنای انتظار این است که آدم در جاذبه امام عصر قرار گیرد. انسانها می توان گفت بر سه دسته اند: دسته ای عشق به ولایت کلیه دارند ولی اگر موعظه شوند و ارشاد شوند وارد می شوند.

وقتی که ما یک میدان مغناطیسی را حساب می کنیم می بینیم یک فضایی است که در این فضا شیئی که در این میان قرار گرفته جذب می شود. آن فضایی که امام عصر دارد انعکاس صفات جمال و جلال خداست یعنی عدالت، حکمت، سخاوت، محبت، تمام معنویات. اینها همه و همه فضای جاذبه امام عصر را تشکیل می دهد. و اما آن چیزی که فضای دافعه امام عصر را تشکیل داده دروغ، خیانت، قساوت، نفاق، ظلم، کفر و همه گناهان اینها تمام در آن میدان دفع قرار گرفته اند. بنابراین انتظار فرج یعنی در جاذبه قرار گرفتن اگر انسان در جاذبه آن حضرت باشد از آن معنویت استفاده کرد، وصل به آن حضرت شد ولایت هم همین است. «الله ولی الذین امنوا» هم معنایش همین است. ولایت همانطوری که در لغت داد و ما هم می گوئیم این توالی با آن دارد و متوالی اند متوالی یعنی پشت سر هم. کسی که ولایت امام عصر را دارد یعنی بین او و امام عصر فاصله برداشته شده است، حجاب برداشته شده است. همانطوری که خدا می فرماید: «والذین کفروا اولیائهم الطاغوت» مردی که در جاذبه امام عصر است سعی می کند با اعمال خوب، با اندیشه پاکیزه فاصله بین خود و امام زمان را به صفر برساند. کسی که در دافعه آن حضرت است یعنی در صف دجال و در صف دجالون قرار گرفته که در حدیث هم هست، سعیش بر این است که فاصله

اش با دجال را به صفر برساند. این است که می شود در دافعه. بنابراین آنها که در مقابله با حق اند در ستیز با حق اند، تصمیم بر کوبیدن حقیقت دارند، آنها در آن صف قرار می گیرند که صف دجال است، آنها که در حق قرار گرفته اند در این صف هستند. ولی تکلیف افرادی مثل بنده چیست که ما متأسفانه فاصله مان را با صاحب ولایت الهیه دور کرده ایم.

آدم با دروغ، با گناه دور می شود، با بداندیشی دور می شود، با کاهل نمازی دور می شود، با پول جمع کرده و پول را در راه خدا خرج نکردن دور می شود. اینها که دورند تکلیف چیست؟ دورها چون در صف مقابل نیستند باید سعی کنند خود را به حق برسانند، راهش رسیدن به حق است در همین طریق.

ناریان مر ناریان را جاذبند نوریان مر نوریان را طالبند^۱

قسم باطل را می کشد (سعی کنید جوانان عزیز، عزیزان، نوجوانان، سعی کنیم این چنین نباشیم) باقیان را می کشد اهل رشط باید در موعظه الهی قرار گرفت، در مسیر الهی قرار گرفت، فضا را پر از معنویت کرد، عطر توحید را در فضا پخش کرد، نه تعفن نه شرک، نه گند دروغ، نه گند فساد، نه تعفن نفاق اگر جامعه ای در مسیر ولایت قرار گرفت خودش را در نسیم امام زمان قرار می دهد و در انتظار است.

به صاحب ولایت باید نزدیک شویم ما در سال ولایت قرار گرفته ایم. به امیرالمؤمنین(ع) باید نزدیکتر شویم. به فاطمه(س) باید نزدیکتر شویم که نزدیکی به این دو انسان بزرگ نزدیکی به امام عصر(عج) است. ببینید اما حسین(ع) در دعای عرفه چگونه با خدا صحبت می کند:

«وَمَا أَرَأَيْكَ بِى فَمَا الَّذِى يَخْجُبُنِى عَنْكَ» (۶)

خدایا تو چقدر به من مهربان هستی، تو چقدر به من لطف داری، پس چه شده است که من از تو دور شده ام، پس حجاب من چیست؟

«و هَذَا حَالِى لَا يَخْفَى عَلَيْكَ مِنْكَ أَطْلُبُ الْوُصُولَ إِلَيْكَ.»

تو از حالم باخبری، تو از اندیشه ام با خبری، تو از گناهانم خبرداری، تو از روز و شبم خبرداری، خدایا به من توفیق بده به تو وصل شوم.

واسطه بین تو امام عصر برداشته شود. در این سال بیشتر به این نکته توجه کنیم که اساس تقواست و این پایه است که بحمدالله کشور ما این فضای معنوی و فضای ولایت را دارد، ولی ما باید این روح را با توجه و استغفار بیشتر کنیم، هیچ چیز بهتر از استغفار نیست، استغفار زنگ دل را پاک می کند، استغفار آدم را به امام عصر نزدیک می کند، آدم نباید خودش را از امام عصر(عج) دور کند. آدم نباید خودش را به دجال نزدیک کند. قرآن کریم می فرماید:

۱. مثنوی معنوی،

«وَأَمَّا يُنْزَعَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْعٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» (۷)

و چنانچه بخواهد از طرف شیطان فریاد می کشد. نزع دارد می پرد تو را می گیرد، به شهوات نزدیک می کند، وسوسه می کند، دارد گولت می زند، به غضب نزدیکت می کند، وجودت را آلوده می کند، تو بگو خدایا به تو پناه می برم. فاستعذ بالله خدا هم صدای تو را می شنود و هم از دل تو باخبر است.

پی نوشت ها:

۱. برگرفته از: خطبه نماز جمعه تهران به امامت آیت الله امامی کاشانی در تاریخ ۷۸/۱۲/۲۰
۲. سوره بقره، آیه ۲۵۷
۳. بخاری از محدثان بزرگ اهل سنت بخاری است، فتح الباری از ابن حجر عسقلانی است و البته دو تن از علمای اهل سنت به ابن حجر عسقلانی معروفند که هر دو هم شافعیند. یکی صاحب الصواعق المحرقة است و یکی صاحب همین کتاب فتح الباری است که در آن در دو جا سخن از دجال است یکی در جلد ۱۳ این کتاب که در کتاب الفتن و باب فتنه هاست و دیگری در دعا و نماز که در جلد ۲ فتح الباری است.
۴. اقبال، ص ۴۳۹، فصل فیها تذکره من صفته صلاة العید - بحار الانوار، ج ۸۸، ص ۷۴، باب ۳ - ادعیه عید الاضحی و بعض الاداب
۵. بحار الانوار ج ۸۸، ص ۷۴، باب ۳ - ادعیه عید الاضحی
۶. مفاتیح الجنان، ص ۵۳۰، دعای عرفه
۷. سوره اعراف، آیه ۲۰۰